

بهر روایت اسناد

نقشه مشترک امریکا و صدام برای حمله به ایران

■ محمدجواد اخوان

در خصوص تحریک رژیم بعث عراق از سوی دولت امریکا برای حمله به ایران، مطالب و مستندات متعددی منتشر شده است اما جدیدترین و معتبرترین مدارک این موضوع را می توان در اسناد امنیت ملی امریکا یافت که در سال های اخیر از طبقه بندی خارج شده است. البته اسناد لانه جاسوسی نیز پیش تر همین مدارا ثابت می کرد.



همان زمان که صدام حسین در ذهن خود ادعاهای ارضی نسبت به خوزستان را می پروراند، کارت تر به دنبال انتقام از انقلاب اسلامی بود و برای زمین زدن جمهوری اسلامی چه گزینه‌ای بهتر از همسایه طمع ورز غربی؟ در زمستان ۱۳۵۸ و بهار ۱۳۵۹، امریکایی ها در دیدارهای مکرر با سران رژیم بعث آنها در برنامه گسترده امریکایی مهار انقلاب اسلامی شریک کردند.

<div>SECRET</div>
<p><i>recession in the West seems likely.</i></p>
<p><i>The US will remain a principal supplier of sophisticated military equipment and trained manpower to Iran for the next several years, having anticipated an erosion of such aid to Iraq as a result of the 1979 revolutionary and stability changes in the country's domestic structure.</i></p>
<p><i>The US has been Iran's main arms supplier for some time, and with a \$2.5 billion worth of equipment resulting to be delivered, will remain so at least through the mid-1980s. Iran's Air Force and its defense program in particular are almost totally dependent on the US - in mid-1978 about 90% of the arms and spare parts used by the Iranian Air Force were supplied by Americans were in Iran working in the defense sector. Iran's military reliance on the US is so critical, in fact, that if US support were withdrawn, the Iranian armed forces probably would not sustain full-scale hostilities for longer than two weeks.</i></p>
<p><i>Iran is attempting to reduce its dependence on the US by diversifying its sources of weapons supply, expanding its domestic arms production, and launching ambitious education and training programs to provide skilled manpower. Although progress in being able to do these things, with increasing sophistication of arms weaponry and the rapidly growing demand for trained manpower in the economy as well as the military will ensure that these problems remain for at least several years as principal supplier of Iran's military equipment.</i></p>
<p><i>Iran's defense and foreign policy. The role of Iran's military and economy may decline more quickly than the foreign role generally, however, as a result both of arm sales ceilings imposed by the US and efforts by the Iranian government to maintain an attractive political issue for the opposition.</i></p>
<div>SECRET</div>

پس از یک سری ملاقات‌ها، قبول می کند که به‌عنوان یک عامل اطلاعاتی برای «سایا» کار کند. «سایا» از وی خواهان اطلاعاتی در

مورد موقعیت نیروی هوایی ایران و مقایسه آن با نیروی هوایی عراق، آمادگی هواپیماهای جنگی و روحیه خلبان‌ها، «طرح جدید دفاع

هوایی ایران در مقابل حمله احتمالی عراق» و… می شود و با توجه به این نیازها وی را ترغیب به گرفتن شغلی در نیروی هوایی می کند. در چند سند دیگر در مورد یکی دیگر از نظامیان سابق به نام سرهنگ هاشم کامبخش با اسـم رمز (س. دی- تندر۱-)مطالب جالبی به چشم می خورد. وی در بی مسافرتی که به همسره خانوادهاش به ایتالیا داشته است، در چهاردهم شهریورماه ۱۳۵۸ به سفارت امریکا در رم مراجعه می نماید و خود را «آماده خدمت به امریکایی ها» اعلام می کند. ایستگاه سیا در رم با ستاد مرکزی «سایا» در خصوص سوابق وی شروع به تحقیق می نماید و به‌عنوان شروع از او درخواست اطلاعاتی در خصوص ادامه قرارداد خرید زیر دریایی از آلمان غربی و ناوچه از هلند و همچنین اطلاعاتی در مورد «آمادگی های رزمی نیروهای مسلح ایران در قبال حمله عراق» می‌کند. در بی یک سلسله تماس و کاوش در ویژگی‌های روانی و خصوصیات فردی این شخص و سوابق کاری و همچنین دسترس‌سی‌های وی به اطلاعات، «سایا» برای شناسایی سرهنگ‌های درجه دوم که بعدها هسته رهبری آتی ارتش را به عهده می‌گرفتند، علاقه‌مند به استخدام وی می‌گردد.

روشن است که در اینجا سازمان سیا به دنبال کشف «طرح جدید دفاع هوایی ایران در مقابل حمله احتمالی عراق» و «آمادگی های رزمی نیروهای مسلح ایران در قبال حمله عراق» است و مایل است بداند که در صورت حمله عراق، دفاع ایران چگونه خواهد بود.

به‌وزارات این تلاش اطلاعاتی تیخ‌های میان بغداد و واشینگتن آپ می‌شود. طبق یک سند «خیلی محرمانه» دفتر حفاظت منافع امریکا در بغداد به تاریخ ۲۲اوت ۱۹۷۹ (۳۱ مرداد ۱۳۵۸)، رادیو و تلویزیون عراق در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ خبر ارسال تلگرم تبریک رئیس‌جمهور امریکا به صدام حسین به مناسبت عید فطر را پخش و اعلام کرد که صدام نیز تلگرام تشکری در پاسخ وی ارسال داشته است.

مأموریت امریکایی برای صدام

پس‌ازآنکه با اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام(ره)، سفارت امریکا تعطیل شد، پروژه «مهار انقلاب‌اسلامی» از سوی امریکا جدی‌تر شد و عزم کاخ‌سفید روی سیریدن وظیفه‌ای مهم به صدام حسین راستخ‌تر شد.

اسـنـد روابط خارجی امریکا مربوط به دوره پس از تسخیر سفارت تا پایان کار کارت که اخیراً از طبقه‌بندی خارج شده است، به‌خوبی نشانگر نزدیک شدن هر چه بیشتر کاخ‌سفید و صدام و مأموریتی است که واشینگتن از او انتظار دارد.

گزارش اطلاعاتی سازمان سیا در ۲ دسامبر ۱۹۷۹، [۱۳] در ۱۳۵۸ [

تصریح می کند:

«عراق به‌دلایل تقابلی که با رژیم خمینی داشته است، عامدانه از نقد اقدامات امریکا اجتناب می‌کند.»

کارت تر در جلسه همان روز شورای امنیت ملی می گوید: «بهرتر است که نظر متحدین را جویا شویم تا اینکه یک برنامه امریکایی طراحی

پژوهنده اسناد سخن می گوید (۲۰)

عراق در اوایل سال ۱۹۸۰ از زمستان ۱۳۵۸ و مشارکت دادن رهبران عراق در یک بحث گسترده‌تر، ممکن است مفید باشد؛ [ازین‌رو من به شلسینگر موضوع را اطلاع می‌دهم.]»

ویلیام اودوم، عضو شورای امنیت ملی ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ [۳] دی ۱۳۵۸ [خطاب به برژینسکی از طرح سیا برای اشغال میادین نفتی ایران خبر می‌دهد. او می‌نویسد:

«اشغال منطقه نفت‌خیز جنوب ایران از یکی از چهار راه زیر ممکن است: -حمله عراق؛ این کار ممکن است عراقی‌ها را از تهران دور کند، ولی کنترل دست بر عراق نسبت به سر لوله نفت چندان ساده نیست. -اشغال منطقه خوزستان توسط امریکا برای به‌دست‌گرفتن کنترل نفت؛ این کار خارج از توانایی نظامی ماست. حتی اگر ما نیمی از نیروهایمان را از اروپا برای انجام عملیات فرایخوانیم، به‌علاوه، ۹۰روز لازم است تا سه یا چهار لشکر در منطقه مستقر شوند. این گزینه کاملاً غیرواقع‌بینانه است.»

رئیس ستاد برنامه‌ریزی سیاسی وزارت امور خارجه امریکا (لیک) در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۹ [۷] دی ۱۳۵۸ [خطاب به وزیر پیشنهاد می‌دهد: «می‌توانیم یک فرستاده آشکار به عراق بفرستیم تا درباره تحولات منطقه گفت‌وگو کند. این اقدام می‌تواند سبب افزایش نگرانی ایران درباره امنیت خود شود و به دولتی اعضای شورای انقلاب و اطرافیان خمینی نسبت به تأثیر این موضوع بر ایران و دگرگونی سیاست‌های ۹۰روز لازم است تا سه یا چهار لشکر در منطقه مستقر شوند. این عادی‌سازی روابط شود.»

در جلسه کمیته هماهنگی ویژه کاخ‌سفید در ۲ ژانویه ۱۹۸۰ [۱۲] دی ۱۳۵۸ [از ضرورت «ارتباطات با عراق» سخن به میان می‌آید و تأکید می‌شود که «همه موافق بودند که این کار در حال انجام است.» در ادامه همین جلسه در خصوص تسخیر میادین نفتی ایران نیز مطرح و اعلام می‌شود که «بر اساس بررسی‌ها، چنین کاری نیازمند اقدام مستقیم از سوی ما با عراقی‌هاست.»

ویلیام اودوم، عضو شورای امنیت ملی در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۸] دی ۱۳۵۸ [به برژینسکی ایده «عقب‌نشینی راهبردی از منطقه» را می‌دهد و چنین توضیح می‌دهد:

«ما نیروی زمینی امریکا را وارد منطقه نمی‌کنیم، بلکه نیروهای زمینی محلی، یعنی عراقی، پاکستانی و هر داوطلب دیگری را تشویق می‌کنیم تا به‌سمت جنوب ایران حرکت نمانند و در شمال مناطق نفت‌خیز یک خط دفاعی ایجاد کنند.»

سازمان سیا در ۱۳ فوریه ۱۹۸۰ [۲۴] بهمن ۱۳۵۸ [گزارشی درخصوص تلاش‌های بختیار برای براندازی جمهوری اسلامی به کاخ‌سفید ارسال می‌کند و در آن اعلام می‌کند:

«خست‌وزیر سابق ایران، بختیار، قصد دارد تا حدوداً اواسط مارس ۱۹۸۰، طرحی را برای سرنگونی دولت انقلابی ایران پیاده نماید. بختیار از تبعیدگاه خود، پاریس به بغداد سفر کرد تا به‌صورت مخفیانه با رئیس‌جمهور عراق، صدام حسین، درباره حمایت عراق از طرح بازگشت بختیار به قدرت، رایزنی کند. . . او به همراه نمایندگان سه سازمان کرد دیگر، در روز ۲۰فوریه در بغداد یا مکانی نزدیک به آن دیدار خواهند داشت تا برای اقدامات نظامی خود و دولت عراق، در راستای حمایت از کودتای برنامه‌ریزی‌شده توسط بختیار، هماهنگی لازم را انجام بدهند.»

همان روزها رسانه‌ها فاش کردند که برژینسکی، برای زمینه‌سازی و اطلاع از وضع عراق برای شروع جنگ، سفرهای محرمانه مکرری به بغداد کرده است. مجله «روزانل استریت» مورخ هشتم فوریه ۱۹۸۰ (نوزدهم بهمن ۱۳۵۸) یکی از این سفرهای محرمانه را فاش ساخت و تأیید لندن مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۸۰ (۲۷ خرداد ۱۳۵۹) به ملاقات برژینسکی و صدام حسین اشاره کرد. در یکی از این گزارش‌ها آمده است:

«برژینسکی پس از سفر محرمانه خود به بغداد در اوایل سال جاری (۱۹۸۰) در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: ما تضاد قابل ملاحظه‌ای بین ایالات‌متحده و عراق نمی‌بینیم، ما معتقدیم عراق که تصمیم به استقلال دارد در آرزوی امنیت خلیج‌فارس است و تصور نمی‌کنیم که روابط امریکا و عراق سست گردد.»

«کنت تیمرن» نیز در کتاب خود در این‌باره می‌نویسد: «به نوشته نیویورک‌تایمز اظهارات یک ایرانی مقیم خارج از کشور، برژینسکی به اسان پایتخت اردن رفت و با رهبر عراق در نخستین هفته ماه ژوئیه ۱۹۸۰ (اواسط تیرماه ۱۳۵۹) به‌طور محرمانه دیدار کرد. به نوشته این روزنامه، هدف از این دیدار بحث و مذاکره پیرامون راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های امریکا و عراق و مخالفت با سیاست‌های ایران بود.»

در ۱۹ اوت ۱۹۸۰ [۲۰ فوریدسن ۱۳۵۹] «زیسکاردرستن» رئیس‌جمهور فرانسه در گفت‌وگوی تلفنی با کارتر می‌گوید: «ما همچنین فردا با عراق تماسی خواهیم داشت. آنها نیز می‌توانند به‌صورت غیرمستقیم به ایران فشار بیاورند.» کارت هم در پاسخ می‌گوید: «بله، به نظر من هم چنین است. موفق باشید و در صورت صلاحدید من رانیز در جریان امور بگذارید. بسیار متشکرم والری.»

صدام در تدارک حمله

تلاش‌های کاخ‌سفیدی بی‌جواب نماند و صدام که خود هم به خاک ایران چشمداشت داشت، عزمی‌راست‌تر پیدا کرد. سازمان سیا در ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ [۲۹] فورردین ۱۳۵۹ [در تلگرم اطلاعاتی به‌کاخ‌سفید گزارش می‌دهد که «اشیاپور [بختیار به درخواست رئیس‌جمهور عراق، صدام حسین، ۱۲ و ۱۳ آوریل ۲۳] و ۲۴ فورودین] به بغداد رفت و در آنجا گفت‌وگوهای متعددی با برژان ابراهیم الکرتزی، برادر ناتنی صدام داشت و روز ۱۳ آوریل هم دو ساعت به‌صورت خصوصی با صدام گفت‌وگو کرد. صدام به بختیار گفت که آماده حمایت از او، علی‌رغم امتناعش از همکاری با سرهنگ غلام‌علی اویسی است؛ کسی که او هم از پشتیبانی عراق بهره‌مند است.»

یکی از نزدیکان بختیار که از منابع سیاست در ۶اوت ۱۹۸۰ [۱۵] مرداد ۱۳۵۹ [به این سازمان اعلام کرد «بختیار، اویسی، سرهنگ جم، زیه، دولت عربستان و تا حدودی دولت عراق، به‌دنبال جلب موافقت و حمایت ایالات‌متحده هستند.»

همان روزها سیا در گزارش دیگری تصریح می‌کند: «اوایل اوت ۱۹۸۰، مخالف تبعیدشده از ایران، سرهنگ غلام‌علی اویسی از عراق، ۲۱ میلیون دلار امریکا و نیز قول بوجه بیشتر را در صورت پیشرفت گرفته بود. او همچنین در حال دریافت مقادیر قابل توجهی سلاح آرپی‌جی، مسلسل‌های سبک و سنگین، تفنگ، خمپاره‌انداز، مواد منفجره، مهمات و وسایل نقلیه است.»

یک ماه و نیم بعد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نهایتاً صدام نقشه امریکا را وارد فاز اجرا کرد و با حمله به مرزهای ایران، جنگ را به مردم ایران تحمیل کرد. البته مقاومت مثال‌زدنی ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس نقشه مشترک امریکا و رژیم بعث را ناکام گذارد.

پایان

منابع در دفتر روزنامه موجوداست.

سیا یا **نظامیان خائن ایرانی** به دنبال کسب اطلاعات

در خصوص توانمندی داعی ایران در مقابل حمله

عراق بود.